

## جامعه مدنی در چالش با قدرت مطبوعات

• علی ایلخانی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

دانشگاه امام صادق (ع)

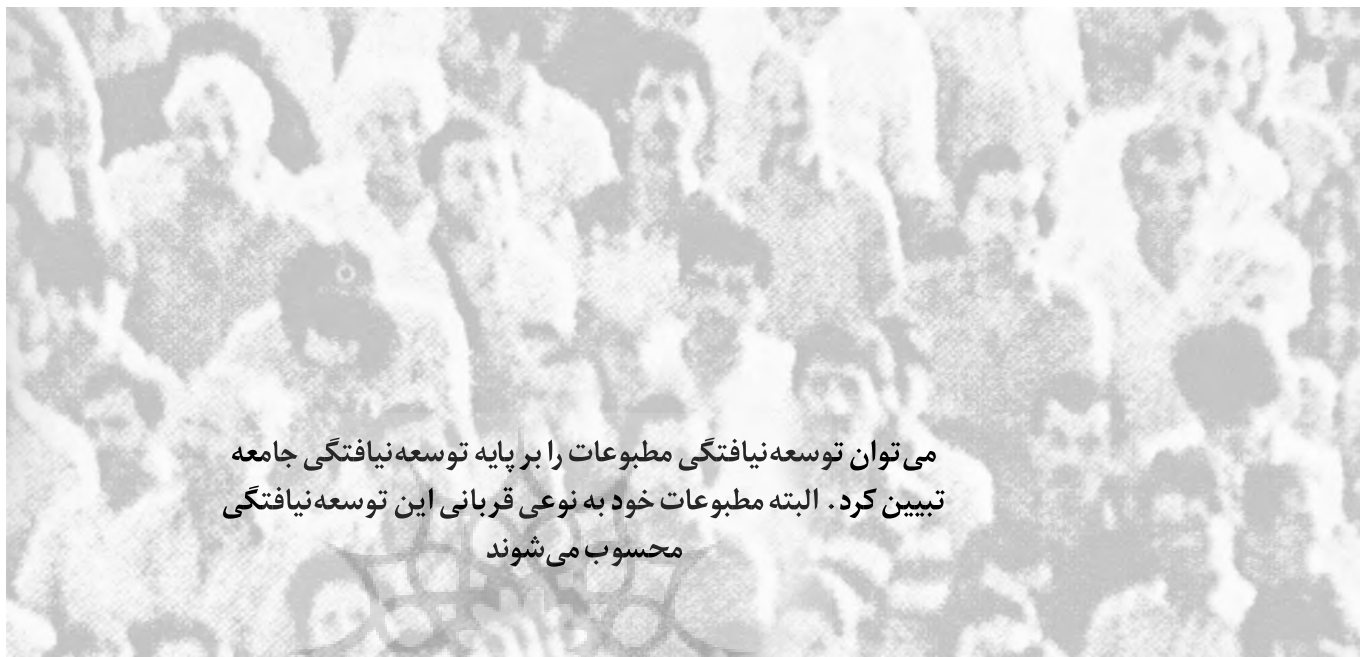
علامه طباطبایی در همین رشته می‌باشد. هرچند مؤلف محترم در مقطع کارشناسی در حوزه جامعه‌شناسی و علوم محض مانند ریاضیات نیز تجربه‌اندوزی کرده است. کارنامه علمی استاد مملو از تألیف و ترجمه کتب و مقالات مختلف و شرکت و سخنرانی در نشست‌های علمی تخصصی است. از جمله آثار ایشان می‌توان کتاب قدرت جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱، عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی مطبوعات در ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد)، گفت‌وگوی تمدن‌ها و ارتباطات بین‌المللی (پایان نامه دکتری)، درآمدی بر ویراستاری و مدیریت اخبار (جزوه آموزشی)، ترجمه بخشی از کتاب توسعه انتقادی در گذشته و حال نوشته ریچارد. ت. گیل، ترجمه برنامه‌های آموزشی ارتباطات جمعی در آمریکا نوشته جان سولوسکی و ... ۱۳۷۶، ترجمه رسانه‌های جمعی و مردم‌سالاری، یک بازاندیشی نوشته جیمز کوران، ۱۳۷۶ و ... ده‌ها کار تحقیقی و مقاله علمی را برشمرد.

هادی خانیکی در این طرح پژوهشی بزرگ از یک‌الگوی نظری برای توجیه توسعه نیافتگی مطبوعات بهره می‌برد. او علاوه بر اینکه توسعه نیافتگی مطبوعات را همراه و قرین توسعه نیافتگی سیاسی جامعه ایران می‌داند، دو عامل اصلی



• دکتر هادی خانیکی، قدرت جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱، چاپ اول، ۴۷۸ صفحه، رقی، شمیر.

دکتر هادی خانیکی سال ۱۳۳۰ در شهر گناباد از استان خراسان متولد شد، ایشان فارغ‌التحصیل رشته علوم ارتباطات در مقطع کارشناسی ارشد و دارای دانشنامه دکتری از دانشگاه



می توان توسعه نیافتگی مطبوعات را بر پایه توسعه نیافتگی جامعه  
تبیین کرد. البته مطبوعات خود به نوعی قربانی این توسعه نیافتگی  
محسوب می شوند

نشدن توسط ارکان آشکار و پنهان قدرت، تظلم خواهی مطبوعات از دستگاه اجرای عدالت همواره بی ثمر بوده است و طوفانی که قصد وزیدن داشته، مطبوعات، محکمه و عدالت را با هم از میان برداشته است.

دکتر خانیکی در پایان این پژوهش نتایج ارزشمندی را ارائه می دهد که ناشی از یک کار مبتنی بر قواعد و روش های علوم اجتماعی و ارتباطات است: می توان توسعه نیافتگی مطبوعات را بر پایه توسعه نیافتگی جامعه تبیین کرد. البته مطبوعات خود به نوعی قربانی این توسعه نیافتگی محسوب می شوند. زیرا در زمان خطر، همواره به عنوان جایگزینی برای خلاء نهادهای قانونی جامعه انتخاب شده و مقهور قدرت های استبدادی شده اند.

در فصل نخست نگارنده به نحوه تعامل مطبوعات با نظام اجتماعی و نحوه تأثیر و تأثر این دو حوزه بر یکدیگر می پردازد و در واقع مؤلف هدف خود را از ابتدا بررسی عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی مطبوعات ایران، با تأکید بر دو دوره پراکندگی و تمرکز قدرت سیاسی می داند. نقش مطبوعات در ایران به عنوان یکی از ارکان مشروطه و... از جمله عناوینی است که در فصل نخست بررسی می شود و نگارنده معتقد است که همزادی و هم سرنوشتی کانون های مشروطه خواهی و

و دو وضعیت خاص اجتماعی را به وجود آورنده حصار می داند که از چهار طرف، مانع توسعه و نهادینه شدن مطبوعات و جامعه مدنی در ایران بوده اند. او با بررسی رابطه و نسبت مطبوعات با قدرت سیاسی در چهار دوره «نهضت مشروطه تا ۱۲۹۹»، «از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲» و «از ۲۸ مرداد ۳۲ به بعد» نشان می دهد که هرگاه منابع قدرت سیاسی، به صورت غیرمتمرکز و توزیع شده وجود داشته است، مطبوعات نیز از توسعه و استقبال عام برخوردار بودند و بالعکس. نسبت جامعه مدنی نیز با مقوله تمرکز قدرت سیاسی به همین منوال است. یعنی هرگاه قدرت به صورت توزیع شده و غیرمتمرکز در سطح جامعه بوده است جامعه مدنی و نهادهای آن پرنرنگ تر ظاهر شده اند. اما علاوه بر دو مانع توسعه مطبوعات یعنی تمرکز منابع قدرت و جامعه مدنی، دوزمین اجتماعی نیز مزید بر علت شده است و حلقه توسعه نیافتگی را بر دور مطبوعات تنگ تر کرده اند. نخست فرهنگ رقابت ستیز نخبگان سیاسی کشور که ظاهراً در هیچ دوره ای از تاریخ، قواعد رقابت و بازی را رعایت نکرده و به جرزنی سیاسی روی آورده اند و دیگری بی خاصیتی و ناکارآمدی دستگاه های قانونی رفع و حل درگیری ها و مناقشات سیاسی بوده است که به دلیل عدم برخورداری از پایگاه مستحکم اجتماعی و به بازی گرفته

## هرگاه منابع قدرت سیاسی، به صورت غیر متمرکز و توزیع شده وجود داشته است، مطبوعات نیز از توسعه و استقبال عام برخوردار بودند و بالعکس. نسبت جامعه مدنی نیز با مقوله تمرکز قدرت سیاسی به همین منوال است

جامعه مدنی و فرهنگ سیاسی نخبگان و سازوکارها و نهادهای حل تعارض های اجتماعی پرداخته، دستمایه ای است برای یافتن یک مدل نظری برای تبیین عوامل توسعه نیافتگی مطبوعات در دو دوره متفاوت تاریخی، از این دو بخش عمده مطالعات و بررسی های تحقیق معطوف به مبانی، منابع، روش ها، داده ها و یافته های پژوهشی بوده است که در این روند محقق را یاری می نماید. تبدیل مفاهیم به شاخص های کمی قابل بررسی و مقایسه، بررسی متغیرهای مستقل و وابسته، در دو دوره و مقایسه تطبیقی آنها، که چه به صورت تاریخی و چه به روش های آماری و کمی و چه به صورت های ترکیبی (کمی و کیفی) از جمله سطح های متفاوت تحقیق در این فصل بوده است.

ساخت اجتماعی و ساخت مطبوعات ایران در دوران پراکندگی و تمرکز قدرت در فصل چهارم کتاب مورد مذاقه قرار می گیرد. وی در این فصل مطبوعات را به عنوان متغیری وابسته نسبت به ساخت قدرت سیاسی و جامعه مدنی در نظر می گیرد و معتقد است دو متغیر مستقل تحقیق هم به وسیله دو مقوله فرهنگی - حقوقی، یعنی فرهنگ سیاسی نخبگان و دستگاه های حل و فصل تعارض های اجتماعی تجدید یا تقویت می شوند. مؤلف در این فصل فرضیه هایی را مطرح می نماید و برای پاسخ به این فرضیه ها هشت پرسش بنیادین را مطرح می کند: میان ساخت قدرت سیاسی و توسعه مطبوعات در ایران رابطه وجود دارد (فرضیه اول)، توسعه مطبوعات به استقرار جامعه مدنی بستگی دارد (فرضیه دوم)، ... فرهنگ سیاسی نخبگان در روند توسعه مطبوعات نقش تشدیدکننده دارد (فرضیه سوم)، ... به نظر می رسد ضعف یا فقدان نهادها و سازوکارهای حقوقی حل اختلاف، توسعه نیافتگی مطبوعات را تشدید کرده است (فرضیه

مطبوعات بر دایره تأثیرگذاری هر دو در آن مقطع حساس وسعت بیشتری دارد. هدف مؤلف از ادامه این تحقیق و موانع و مشکلات موجود بر سر راه نگارش این اثر، از جمله لزوم انجام یک کار میان رشته ای در حوزه های مختلف علوم سیاسی، تاریخ، ارتباطات و جامعه شناسی و ... کمبود تحقیقاتی از این دست در عرصه مطبوعات، تنوع، گستردگی و پراکندگی موضوع های تحقیق، فقدان یا ضعف اطلاعات دقیق آماری... عنوان دیگر فصل را در بر می گیرد.

فصل دوم با عنوان قدرت، فرهنگ و مطبوعات به دو بخش تقسیم شده است که در بخش نخست نویسنده به مبانی نظری تحقیق می پردازد. هم چنین نقش متغیرهای مستقل تحقیق در بروز و پیدایش توسعه نیافتگی مطبوعات را به لحاظ نظری بررسی می نماید. وی مهم ترین دیدگاه های نظری در این حوزه را نقل کرده و به تطبیق آنها با جامعه ایرانی می پردازد. در بخش نخست چهار عامل تمرکز منابع قدرت، ضعف جامعه مدنی، فرهنگ رقابت ستیز نخبگان سیاسی ایران و ناکارآمدی دستگاه های حل و فصل تضادهای اجتماعی، به عنوان مجموعه متغیرهای مستقلی که ساخت اجتماعی توسعه نیافته را می سازند به لحاظ نظری بررسی و پس از آن ساخت مطبوعات و مقوله ای خاص کمی و کیفی آن مطالعه می شود.

در بخش دوم فرضیه ها و سؤال های اصلی تحقیق براساس جمع بندی های بخش اول، برای مقایسه دو دوره مختلف پژوهش مطرح می شود.

تلاش برای طراحی یک مدل نظری به منظور تبیین توسعه نیافتگی مطبوعات محتوای فصل سوم را به خود اختصاص می دهد. عنوان <sup>۱</sup>مختلف موجود در فصل سوم که به بحث های مختلف روش تحقیق، توسعه، ساخت قدرت،

## در ساختار اجتماعی متمرکزگرایانه، ساختار توسعه نیافته مطبوعاتی مشاهده می‌شود و در ساختار اجتماعی که بر پایه توزیع و تنوع منابع آن، شکل می‌گیرد، می‌توان از ساختار بالنسبه توسعه یافته تری در عرصه مطبوعات سراغ گرفت

افزوده است، انجام کارهای آماری و کمی در کنار مقایسه‌ها و بررسی‌های کیفی، استفاده از شیوه تحلیل گفتمانی در بررسی مقاله‌ها و روزنامه‌ها، انجام کار بین‌رشته‌ای در حوزه‌های علوم سیاسی، تاریخ، ارتباطات، جامعه‌شناسی و... در کنار شیوه‌های رایج کتابخانه‌ای، ارائه الگوی پژوهشی و یک مدل قابل انطباق با دوره‌های مختلف توزیع و متمرکز قدرت و... اثر استاد خانیکی را از کلیه آثار تألیف شده در حوزه مطبوعات این دوره و حتی دوره پهلوی دوم متمایز می‌کند. آثار موجود در حوزه مطبوعات دوره مشروطه یا پهلوی اول معمولاً از نقایص متعددی برخوردارند: از جمله نداشتن رویکرد تئوریک، بررسی‌های صرف تاریخی بدون توجه به جنبه‌های جامعه‌شناختی یا سیاسی، ارتباطاتی کارهای تحلیلی کیفی بی‌توجه به جنبه‌های کمی و آماری، بی‌توجهی به تحلیل‌های گفتمانی و... که به تناسب این آثار از ایرادات فوق برخوردارند.

هر چند اثر دکتر خانیکی از نقایص رایج فوق فاصله گرفته است. انتقاداتی نیز به این اثر وارد است انتظار می‌رفت ایشان اثر خود را در سال‌های آغازین تألیف - ۱۳۷۴ - روانه بازار نشر می‌کردند، اما این اتفاق مبارک نزدیک به ۸ سال بعد روی می‌دهد که طبیعتاً نوعی بازنگری در عناوین و سرفصل‌ها را متناسب تحولات ایجاد شده در جامعه ایران و حاکمیت گفتمان مردم سالاری و جامعه مدنی می‌طلبد.

ای کاش نگارنده مدل پیشنهادی خود را بر دوره پهلوی دوم که متأسفانه تاکنون اثر قوی و مستدلی به آن نپرداخته است و حتی پس از انقلاب ایران نیز تطبیق می‌دادند که البته این درخواست، خود کار پژوهشی مستقلی را نیز می‌طلبد. پرداختن به تحولات دهه‌های ۲۰ و ۳۰ یا حوادث بعد از ۲۸ مرداد نیز در این مقوله می‌گنجد.

چهارم). مؤلف برای تحقیق درباره این فرضیه‌ها چند پرسش اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد، از جمله: ساخت سیاسی قدرت در دوره پراکندگی و تمرکز آن چگونه است؟ وضعیت جامعه مدنی در دوره تاریخی با چه ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی مشخص می‌شود؟ و... مؤلف به منظور پاسخگویی به این سؤال‌ها و بررسی فرضیه‌ها ابتدا نتایج مطالعه و تحقیق در مورد ساخت دولت، جامعه، فرهنگ سیاسی و نهادهای حقوقی (به عنوان متغیرهای مستقل) را در دو دوره توصیف و تبیین می‌کند و پس از آن یافته‌های پژوهشی خود را درباره ساخت مطبوعات (متغیر وابسته) ارائه می‌دهد.

در فصل پایانی کتاب - فصل پنجم - چکیده و نتیجه پژوهش مطرح می‌گردد و نگارنده بر نوعی سنخیت و مشابهت ساختاری میان جامعه و مطبوعات تأکید می‌کند، یعنی می‌توان توسعه نیافتگی مطبوعات را بر پایه توسعه نیافتگی جامعه تبیین کرد. در ساختار اجتماعی متمرکزگرایانه، ساختار توسعه نیافته مطبوعاتی مشاهده می‌شود و در ساختار اجتماعی که بر پایه توزیع و تنوع منابع آن، شکل می‌گیرد، می‌توان از ساختار بالنسبه توسعه یافته تری در عرصه مطبوعات سراغ گرفت. (قدرت جامعه مدنی و مطبوعات، ص ۳۷۱). مؤلف در این فصل به خوبی تفاوت‌های چهار مؤلفه نظام سیاسی، جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی و سازوکارهای حل اختلاف و ساخت مطبوعاتی در دوره پراکندگی قدرت سیاسی - توزیع سیاسی - را با دوره تمرکز قدرت سیاسی مقایسه می‌کند و به جمع‌بندی نتیجه دیدگاه تئوریک خود می‌پردازد.

داشتن دیدگاه تئوریک، استفاده از ده‌ها منبع داخلی و خارجی، استفاده از منابع دسته اول داخلی و خارجی، استفاده بجا و به موقع از جداول و ضمایم که بر جنبه‌های آموزشی اثر